

لغات مستعد مجاز						وحید رضازاده (دبیرزبان و ادبیات فارسی-خراسان شمالی)					
شماره	مجاز مننه	مجاز له	شماره	مجاز مننه	مجاز له	شماره	مجاز مننه	مجاز له	شماره	مجاز مننه	مجاز له
۱	دست	قدرت	۱۲	چشم	کل وجود	۲۳	دی	زمستان			
مور را شیرین سخن دست سلیمان کرده است			شبی یاد دارم که چشمم نخفت			صورت سرمای دی بیداد های می کرد					
۲	خون	کشتن	۱۳	حلق	دهان	۲۴	آهن	تیشه			
محتاج قصه نیست گرت قصد خون ماست			گر نبندی زین سخن تو حلق را			بگفت آهن خورد و خود بود سنگ					
۳	سر	موی سر	۱۴	گوش	شنونده	۲۵	خاکی و آبی	همه انسان ها			
سرم را شانه زدم			تو مرد سخن نیستی گوش باش			به یاران گفت کز آبی و خاکی / ندیدم کس بدین حاضرجوابی					
۴	سر	وجود	۱۵	چشم	بیننده	۲۶	سدره المنتهی	آسمان هفتم			
سر را فدای تو می کنم ای عشق			همه در مقابل این واقعه چشم شده بودند			که در سدره جبریل از اوباز ماند.					
۵	سر	قصد	۱۶	زبان	سخن	۲۷	مغاک	قبر			
سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی			منگر به خوش زبانی این ترش میزبان			خرد را مکن با دل اندر مغاک					
۶	دم	سخن	۱۷	لب و دندان	کل وجود	۲۸	یال	بدن			
دم سعدی در من اثر نکرد			لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید			بکوبمت زین گونه امروز یال که فردا نبیند تو را زنده زال					
۷	کلک	سخن / شعر	۱۸	مرد و زن	همه انسانها	۲۹	پیمانه	شراب			
کلک حافظ شکرین میوه نباتی است بچین			از نفیرم مرد و زن نالیده اند			پیمانه رانوشیدم					
۸	سینه	دل	۱۹	لب	دهان	۳۰	درخت	برگ			
اگر از سینه مور ضعیفی پرده برداری			لب از دروغ بسته بود			درختان زرد شدند					
۹	سینه	انسان سینه سوخته	۲۰	مرد	انسان	۳۱	فردا	قیامت			
سینه خواهم شرحه شرحه از فراق/تا بگویم شرح درد اشتیاق			چرا گوید آن چیز در خفیه مرد/که گر فاش گردد شود روی زرد			دامنش فردا به نزد دادگر خواهم گرفت					
۱۰	چشم و گوش	کل حواس	۲۱	امروز	زمان حال	۳۲	جام	شراب			
لیک چشم و گوش را آن نور نیست			امروز به غم فزون ترم از دی			در بزم ما جامی بنوش					
۱۱	رخ	کل وجود	۲۲	اردیبهشت	بهار	۳۳	بیت	شعر			
مرغ دل از فراغ رخت پریشان شد			زمی ز اردیبهشت گشته بهشت برین			به یاد روی شیرین بیت می گفت					

لغات مستعد مجاز								
وحید رضازاده (دبیرزبان و ادبیات فارسی-خراسان شمالی)								
شماره	مجازمنه	مجازله	شماره	مجازمنه	مجازله	شماره	مجازمنه	مجازله
۳۴	کام	آرزو	۴۵	نور	قدرت، فهم	۵۶	زبان	گوینده
کشیدند میان دل و کام دیوارها			لیک چشم و گوش را آن نور نیست			همه گوش بودن ایشان زبان		
۳۵	ساغر	شراب	۴۶	حرف	سخن	۵۷	چشم	نگاه
کجایند پادشاهانی که هنگام نوشیدن ساغر مرگ...			ز حرف عیب جو مجنون بر آشف			کاش چشم به او نمی افتاد		
۳۶	گز	تیر	۴۷	الحمد	سوره فاتحه	۵۸	جان	قدرت
تهمتن گز اندر کمان راند زود			نشاید پس از مرگش الحمد خواند			من با دیدن او جان می گرفتم		
۳۷	تخت	سلطنت	۴۸	نگین	انگشتر	۵۹	برنج	آب و هوا
ضحاک پس از کشتن جمشید، تخت را به دست آورد			که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را			برنج این ولایت بهش نمی ساخت		
۳۸	دیده	عقیده	۴۹	ایران	تیم ایران	۶۰	پا	خود
در دیده ی من شایسته چنین کرامت است			ایران به مقام اول رسید			اگر پایت به اونجا برسد کارت ساخته است		
۳۹	عالم	مردم عالم	۵۰	کلاس	دانش آموزان	۶۱	نفس	لحظه
دل عالمی بسوزی چو عذار برفروزی			کلاس از جا پرید			هر نفس آواز عشق می رسد از چپ و راست		
۴۰	بازارگاه	اهل بازار	۵۱	زهره	جرات	۶۲	فلک	ملکوت
بر او انجمن گشت بازارگاه			اما دریغ زهره دریا شدن نداشت			ما به فلک می رویم عزم تما شا کراست		
۴۱	چشم	دیدگاه	۵۲	خاک	سرزمین/زمین	۶۳	دست	دوستی
که لیلی گرچه در چشم تو حوری است			در آن کویر سوخته، آن خاک بی بهار حتی علف اجازه زیبا شدن نداشت			دست و تیغش برایم تفاوتی ندارد		
۴۲	سعدی	اشعار سعدی	۵۳	جان	وجود	۶۴	تیغ	دشمنی
خواندن سعدی ما را خوشحال می ساخت			که ز جان ما بگردان ره آفت قضا را			دست و تیغش برایم تفاوتی ندارد		
۴۳	شهر	مردم شهر	۵۴	گهواره	آغاز زندگی	۶۵	دل	انسان
شهر علیه او قیام کرد.			زگهواره تا گور دانش بجوی			دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی		
۴۴	سخن	شعر	۵۵	گور	پایان زندگی	۶۶	نفس	جان
حافظ سخن بگوی که بر صفحه جهان			زگهواره تا گور دانش بجوی			مادام که نفس دارم زحمت می کشم		

لغات مستعد مجاز			وحید رضازاده (دبیرزبان و ادبیات فارسی-خراسان شمالی)
شماره	مجازمنه	مجازله	سلام به همه دانش آموزان عزیزم برخی از واژگان مستعد مجاز را خدمت شما تقدیم می کنم امید وارم در شناخت این آرایه دشوار کنکور کمک کننده باشد. هر واژه ای که در این مجموعه می بینید دلیلی ندارد که همیشه مجاز باشد. در برخی از جملات مجازند و در برخی دیگر خیر. آنچه به شما در شناخت مجاز کمک می کند قرینه یا جزء صارفه است. ***ناگفته نماند که علاوه بر این موارد استعاره به علاقه شباهت نیز مجاز به حساب می آید. آرزوی موفقیت همه دانش آموزان نازنینم. رضازاده. پاسخگوی سوالات شما در آی دی زیر می باشم: @adabiyatekonkur
۶۷	جوی	آب	
مثل جوی می رود			
۶۸	دل	جرات	
من دل این کار را ندارم			
۶۹	صفرا	خشم	
بر صفرای خویش بر نیامدم			
۷۰	خنجر	خون	
زمین را به خنجر بشوید همی			
۷۱	دل	انسان	
دنیا نیرزد آن که پریشان کنی دلی			
۷۲	دنیا	قدرت و ثروت دنیا	
دنیا ارزش مردم آزاری ندارد			
۷۳	کجاوه	سفر	
در کجاوه انیس بود و در حجره جلیس			
۷۴	سیر	بیزار	
من از تو سیر شدم			
۷۵	گل	بهار	
فصل گل می گذرد هم نفسان بهر خدا			

وجید رضا زاده (@adabiyatekonkur)